

تصمیمات دادگاهها

تصمیم دیوان کشور بر قبول دادخواست

در مورد درخواست اعاده دادرسی کیفری با استناد پیدا شدن دلیل تازه

ماده ۴۶۶ آئین دادرسی کیفری

فعلی تجارتخانه بموجب ورقه ضمیمه دادخواست خواستار تجویز اعاده محاکمه بر اینکه تنظیم نامه مزبور با اجازه او بوده (که بر فرض صحت آن موضوعی برای بزه جعل اساساً باقی نمیماند) بضمیمه خصوصیات و اوضاع و احوال قضیه و اینکه بر حسب محتویات پرونده معلوم نیست در موقع جریان بازجوئی اولی و رسیدگی برکهای سابق از تجارتخانه مستقیماً بازجوئی در این موضوع بعمل آمده باشد میتوان گفت دلیل قابل توجه بر بی تقصیری متهم نسبت بانتهام دخالت در عمل جعل که موجب اعاده محاکمه است تازه پیدا شده لذا بموجب جزء اول شق سوم ماده ۴۶۶ اصول محاکمات درخواست مشارالیه مبنی بر تجویز اعاده محاکمه در این قسمت از محکومیت او پذیرفته میشود)

کسی در دادگاه جنائی بیزه معاونت در جعل استفاده از سند معمول بیکسال حبس تادیبی محکوم میشود بعد از قطعیت دادنامه دادخواست اعاده دادرسی از دیوان کشور کرده - شعبه [۲] دیوان مزبور در دادنامه شماره ۷۸۷ بتاریخ ۱۳۰۴/۱۸ چنین رای داده است :

(راجع بمحکومیت خواستار تجویز اعاده محاکمه برای اتهام او بمعاونت در جعل نظر باینکه عمل مورد حکم دادگاه جنائی این بوده که مشارالیه در تنظیم نامه که بر خلاف واقع از طرف تجارتخانه ... بداره گمرک نوشته شده معاونت نموده است و نظر باینکه یکی از ارکان مهم بزه بودن این عمل بی اطلاعی و عدم اجازه صاحب تجارتخانه است در تنظیم نامه منسوب باو و نظر باینکه باوجود تصدیق

تصمیم دیوان کشور بر استوار کردن

در موردیکه با وجود تکرار بزه از لحاظ پژوهش نخواستن دادستان کیفر از حد اقل نازل داده شده

مواد ۴۵ مکرر و ۲۵ اصلاحی و ۲۳۰ قانون کیفر

شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۹۵۲ بتاریخ ۱۸/۴/۱۸ چنین رای داده است :

(اعتراض دادستان استان که با وجود تکرار جرم که متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت موثر بوده و با استناد دادگاه بماده ۴۵ مکرر مجازات عمومی نبایستی از حد اقل که پس از ملاحظه تکرار در این مورد دو سال و یکروز میباشد تجاوز شود و همچنین اینکه در مقام رعایت تخفیف دادگاه

کسی بیزه پنهان کردن امثال دزدی مورد تعقیب دادسرا واقع شده و دادگاه جنحه با ملاحظه یک پیشینه موثر بر طبق قسمت اخیر ماده ۲۳۰ قانون کیفر و شق اول ماده ۲۵ اصلاحی با رعایت ماده ۴۵ مکرر آن قانون او را بهشت ماه حبس تادیبی محکوم کرده دادستان باین دادنامه تسلیم ولی در اثر پژوهش خواهی متهم دادگاه استان آنرا استوار میکند دادستان استان و متهم فرجام خواسته اند

علل مخففه را ذکر ننموده است گرچه اساساً وارد بر قضیه بنظر میرسد ولی بملاحظه اینکه حکم بواسطه عدم تقاضای پژوهش از ناحیه دادستان های شهرستان و استان نسبت بضرر منتهم قطعی محسوب بوده و دادگاه استان نمیتوانسته مجازات متهمه را تشدید نماید این دو قسمت نیز وارد نیست و همچنین اعتراض باینکه دادگاه عمل را با قسمت

اخیر ماده ۲۳۰ تطبیق نموده و حال آنکه با قسمت اول آن ماده منطبق است نیز وارد نیست چه آنکه گرچه در قسمت تطبیق اشتباه شده ولی چون از نظر تکرار جرم تأثیر در تعیین مجازات ندارد و دادگاه در صورت تطبیق با قسمت اول نیز نمیتوانست از حداقل مجازات تجاوز نماید بنابراین مرتزبه حکم فرجام خواسته بانفاق آراء ابرام میشود

تصمیم دیوان کشور بر وازدن دادخواست

در مورد فرجام خواستن از قرار وازدن درخواست تصحیح دادنامه

ماده ۲۴ و ۸ قانون تسریع

دادنامه ای از دادگاه استان صادر میشود و یکی از طرفین تصحیح دادنامه را از دادگاه درخواست مینماید درگاه درخواست تصحیح را بيمورد دیده و آنرا وازده است - از این قرار فرجام خواسته - شعبه (۱) دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۳۹ بتاريخ ۲۰ ر ۴۸ ر ۱۸ چنین رای داده است :
[نظر باینکه قرارهای قابل استیناف و تمیز بر طبق قانون تسریع معاکمات محدود و معین و شامل رد تقاضای

تصحیح نمیشود مواد مربوطه بتصحیح احکام هم در قانون مزبور احکام تصحیحی را قابل استیناف و تمیز دانسته ناظر بموردی است که از دادگاه در موارد مخصوصه تصحیح را لازم و نسبت بآن حکم صادر نماید نه اینکه تقاضا را بيمورد تشخیص و آنرا رد نماید لذا دادخواست فرجامخواه نسبت بر رد تقاضای تصحیح قابل قبول نیست و بانفاق آراء رد می شود

تصمیم دیوان کشور بر شکستن

در مورد بیکه دادگاه حبس مجر را بکمتر از ۶ ماه حبس نادیمی پائین آورده

ماده ۴۴ قانون کیفر

دو نفر بیزه اینکه اولی در اثربانی با دومی شناسنامه بکنفر و اثراشیده و بنام مشارالیه نموده او هم مورد استفاده قرار داده تحت تعقیب دادسرا واقع و بعد از طرح قضیه در دادگاه جنائی رسیدگی نسبت بدومی تفکیک میشود و نسبت باولی ارتکاش بمعاونت در جعل محرز و طبق ماده ۱۰۳ و ۲۸ و ۲۹ قانون کیفر با رعایت دو درجه تخفیف سه ماه حبس نادیمی محکوم میشود متهم و دادستان استان فرجام خواسته اند - شعبه ۵ دیوان کشور در دادنامه شماره ۸۱۱ بتاريخ ۱۳ ر ۴۸ ر ۱۸ چنین رای داده است:

مفاد اعتراضات متهم مبنی بر ارتکاب جرم و اینکه مادام که مجرم اصلی شناخته نشود معاونت در کار نخواهد بود و در پرونده دلیل کافی موجود نیست که علم متهم را بغرض متهم اصلی محرز بدارد و با اینکه دادگاه متهم را جاعل ندانسته تطبیق عمل او با ماده ۱۰۳ و ۲۸ مورد نداشته و هیچیک وارد نیست چه آنکه اعتراض اول و سوم راجع بماهیت امر و قابل طرح در مرحله فرجامی نیست و شناخته نشدن جاعل منافاتی با تشخیص معاونت ندارد و دادگاه عمل او را با ماده ۱۰۳ و ۲۸ و ۲۹ قانون مزبور

تطبیق نموده است و چون از سایر جهات نیز در اصل مجرمیت و تشخیص جرم اشکال موجب نقض بنظر نرسید حکم فرجام خواسته در این قسمت باتفاق آراء ابرام میشود لیکن در قسمت تعیین مجازات اعتراض دادستان استان که تعیین سه ماه حبس تادیبی با رعایت تخفیف با استناد بماده ۲۹ قانون مجازات عمومی مجوز قانونی نداشته بنظر وارد

میآید زیرا برطبق ماده ۴۴ قانون مزبور تخفیف حبس مجرد تا ۶ ماه تادیبی محدود گردیده است و با اینحال حکم فرجام خواسته برخلاف صریح ماده مزبوره صادر شده و برطبق ماده ۴۳۰ قانون اصول محاکمات جزائی در قسمت تعیین مجازات باتفاق آراء نقض میشود. . . .

رای دیوان کشور بر شکستن

در موردیکه دادگاه ورود ثالث در دعوی اعتراض به ثبت را بعنوان خروج از مدت نپذیرفته

ماده ۱۶ قانون ثبت و ماده ۱۶۴ قانون آزمایش

چند نفر بر در خواست ثبت ملکي اعتراض کرده و در مرحله نخستین دعوی آنها رد شده و در مرحله پژوهشی شخص ثالث وارد شده و نسبت بمقداری از آن دعوی مالکیت کرده دادگاه بفتح مدعیان رای داده و نسبت بشالث قرار رسیدگی داده دیوان کشور از لحاظ تفکیک دعوی ثالث حکم زانکسته و دادگاه استان رسیدگی کرده در خلال امر اداره اوقاف بعنوان آنکه مدعی به وقف عام است وارد دعوی شده دادگاه نامبرده چنین رای داده (اولا دعوی اقامه شده از طرف اداره اوقاف بنام شخص ثالث علاوه بر اینکه دلیلی از طرف اداره مزبور بر وقفیت و عام بودن آن تقدیم نشده اساسا از حیث تاریخ تقدیم در خواست مزبور بطوریکه از طرف وکیل مدعیان بدوی نیز ابراد شده اشکال وارد است چه مطابق جریان پرونده ملک متنازع فیه مورد درخواست ثبت واقع شده در صورتیکه اداره اوقاف بدوخواست ثبت مزبور اعتراض میداشت بایستی برطبق مقررات راجعه بمواد ثبت در موعده مقرر اعتراض داده باشد و پس از مضي مدت چند سال از تاریخ در خواست ثبت و جریان محاکمه و صدور حکم از مرحله استینافی و تمیزی اینک تقدیم در خواست ثالث نسبت بملکی که مورد درخواست ثبت بوده برخلاف مقررات راجعه بموارد ثبت خواهد بود و عنوان شخص ثالث هم موجب نمیشود که از رعایت ماده ۱۶ قانون

ثبت صرف نظر گردد چه اگر برای تقدیم درخواست شخص ثالث رعایت ماده ۱۶ منظور نگردد وضع ماده مزبور که برای خاتمه دادن بدعاوی و اعتراضات و تثبیت مالکیت در خواست کننده ثبت میباشد لغو خواهد بود - مضافا بخش نامه شماره (۲۳۱۹۸-۱۱۰۱۳۱۰) وزارتی که در همین موضوع از جهت رعایت ماده ۱۶ قانون ثبت نسبت باشخاص ثالث صادر گردیده مؤید نظریه فوق میباشد علیهذا بجهات مذکوره در خواست اداره اوقاف بنام شخص ثالث در غیر موعده مقرر قانونی تقدیم و قابل قبول نبوده و دادگاه قرار رد دادخواست مزبور را صادر مینماید) بر اثر در خواست فرجامی اداره اوقاف دیوان کشور شعبه ۳ در حکم شماره ۳۶۴ بتاريخ ۲۰ ر ۱۷۳ چنین رای داده است:

«اداره اوقاف بعنوان طرفداری از وقف عام دادخواست داده و این دادخواست در صورتیکه از باب دخول در دعوی و یاری مدعی علیه در امر وقف باشد و تقاضای ثبت هم بعنوان وقف عام شد میباشد مانعی نداشته چه با اینوصف امر تازه ایکه موجب اخلال در امر ثبت باشد مورد تقاضای اداره مزبوره نیست و دادگاه بدون توجه باین معنی و رسیدگی در اینخصوص و کسب توضیح بیشتر در صورت لزوم اقدام برد دادخواست اداره اوقاف کرده بنا بر این قرار فرجام خواسته بعلت نقص رسیدگی باتفاق آراء نقض میشود. . . .»